



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۳، دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۸۲-۴۰۳
تنها راه صلح جهانی؛ گردشگری و موسیقی (تمدن دریایی ایران)

وحید صادقی^{۱*}، سیدمحمدحسین حسینی^۲

۱-دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

vahidsadeghi86@yahoo.com

۲-دکترای روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی تهران

mh.hossein25@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

فرای مرزهای جهانی، زبان مشترک همه ما موسیقیست

(ص و ح، ۱۴۰۳)

چکیده

ایران سرزمین دیرپا در جغرافیای سیاسی است، دیرپایی قدمتی کهن برای ایران خلق کرده است که تمدن نام دارد. تمدن سرزمینی / دریایی ایران جغرافیای اتصال اقوام، تجار، سیاست، کوچزیستان و فضا بوده است که هر دم فضا را به سمت شادزیستی و نوآوری می‌کشانده است تا بدین روز که ایرانی، توسعه‌گرا و تکنسین‌محور می‌شود. پرسش مقاله این است که وجود چنین تمدن سرزمینی دریایی کهن آیا دال بر راه توسعه از این طریق است و خلق چنین فضایی گردشگرپذیر و موسیقی‌گرا می‌تواند ایران کنونی را به منطقه و نسبتاً به جهان/غرب وصل کند؟ پس تمدن دریایی گردشگرپذیر و موسیقی-دوست به ادعای این نوشتار می‌تواند تمدن صلح‌گرای ایرانی را برقرار سازد. نویسه ماهیتی کیفی تحلیلی دارد که در پی بیان ارائه استراتژی صلح جغرافیایی را دارد. استراتژی تمدن دریایی متکی به گردشگری و موسیقی و یا بهتر بگوییم "تمدن دریایی گردشگری و موسیقی" در این مقاله که راهبرد است بر مبنای یک مفهوم به اسم جغرافیای بدن شکل گرفته است و دیگر نظریات و مفاهیم و مقولات لازم آورده شده است که یافته‌ها بر روی آن سوار هستند. پس از بنیان‌های نظری، استنتاج‌های برداشتی مقاله بیان شده تا اینکه مقاله خاتمه یافته است.

واژگان کلیدی: تمدن دریایی گردشگری و موسیقی ایران، صلح منطقه‌ای و جهانی، موقعیت و جهت جغرافیایی کشور ایران.

اون روز وقتی متوجه شدم مرغ‌های خونمون
 شبیه موسیقی هست که تو خونه گوش می‌کنم فهمیدم به طوری ام.
 (ص و ح، ۱۴۰۳)

۱) درآمد

بر طبق نظریه ریملند، ایران موقعیت حساس و پراهمیتی دارد. آسمانی صاف و سرزمینی چهارفصل به همین- خاطر تمدن‌های مختلف و پرباری را داشته است. چنین تمدن‌هایی در نوار پیرامونی / ریملند مورد توجه فضا دوستان و قدرت‌های جهانی بوده است و همواره از کانال‌ها و مجراهای آبی به سرزمین وارد می‌شدند و منافع را جستجو می‌کردند. با وجود این مجراها، در عصر جدید از چنین مکان‌های پررفت و آمدی که خاستگاه زندگی و شهری شدند می‌توان در جهت ارتباط سکونتگاه‌ها با یکدیگر و بین دولت‌ملت‌ها، شناخت و ارتباط برقرار کرد. روی سخنم ایرانِ تمدن دریایی است آن هم از نوع جذاب و غیرقابل انکاری چون گردشگری و موسیقی. تمدن دریایی گردشگری و موسیقی همان توسعه است، نگویم یکی از اولین یا اصلی‌ترین یا مهمترین یا بهترین شاخص توسعه است بلکه بگوییم خود توسعه به معنای دی‌ولوپمنت است. جبر جغرافیایی موقعیت ایران بهترین جغرافیای شانس را برای ایران خلق کرده است که در صورت رها شدن از سوی دولتمردان مداخله‌گر توسعه، رفته‌رفته سرزمین ایران می‌غلطد به سمت سرزمین‌های سوررنال و جزیره‌ای / استرالیایی اما به شرط رهایی جغرافیا از هزار توی درون. این گفته شد که آشکار شود ایران پس از چهار دهه با وجود فضاهای آبی نتوانسته تمدن دریایی شبکه‌محور ارتباطی / توسعه‌ای شود و حتی در این راستا گام بردارد. تمدن دریایی گردشگری و موسیقی ایران بچسب‌ترین موضوع حال حاضر است که در صورت اجرا، ایران و سازمان‌های نظامی‌اش را از اتهام تروریستی و مخالف گفتمان دموکراسی تبرئه کند تا ایران کنونی محاصره امنیتی تر نشود. گردشگر برای دیدن / لذت می‌آید اما پیش شرط آن رفت و آمد آسان و آن‌لاین و بدون تفتیش عقاید است. زیرساخت‌های آبی سرزمین ایران با همه‌ی کهنگی و عقب‌ماندگی فنی با اراده سیاسی بازیگران برای اتصال چینی فضاهایی به دیگر مناطق و فضاها این ضعف فنی نادیده گرفته می‌شود. شبکه منطقه‌ای گردشگری و موسیقی در درجه نخست مطرح است. این شبکه، زیرساختی با مقیاس جهانی دارد چراکه پس از خلق شبکه منطقه‌ای نوبت به اجرای شبکه جهانی گردشگری و موسیقی می‌شود. دروازه‌های ساحلی و دریایی ایران، برای انسان‌های آب‌دوست و ماهی‌خوراک، برای مذهب‌دوستان، برای خردگراهای فردوسی دوست، برای بختیاری دوستان، برای لیدوما دوستان، برای فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌گراها، برای ایرانی‌دوست و برای همه نوع متحرکی که قصد لذت و رفت و آمد را دارند، جذاب و مناسب است. ارائه تنوع موسیقی سنتی سازونقاره‌ای،

بی‌کلام و جهانی در فضاهاى دریایی مورد توجه همه انسان‌هاى موسیقى جوی و طبیعت‌دوست است که درهم-تیدگی انسانی / سکونتگاهی فضایی را به وجود می‌آورد و منطقه به فضای جهانی متصل و همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح انسانی ساخته می‌شود. بنابراین این مفهوم که تمدن دریایی گردشگری و موسیقی چیست و چگونه می‌تواند برند جهانی «صلح» برای ژئوپلتیک ایران خلق کند پرسش مقاله پیش‌رو است؟

۲) اهمیت و ضرورت تحقیق

مقاله حاصل اندیشه‌های است که انباشت داده‌ها، قدرت تفکر و استنتاج را به نویسندگان داده است. استعاره یا مفهوم جغرافیای بدن، ایده همین‌هاست که قصد دارند فضاهاى دریایی و ساحلی ایران را بدن‌وار و از طریق عضوی از این بدن / مناطق دریایی، فضاسازی و برند صلح جهانی کنند. تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طریق گردشگری و موسیقی در پرتو فضای جغرافیایی ساحلی و دریایی، تز نوشتار است. مقاله در حوزه گردشگری، جوهره‌ی طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) و در حوزه موسیقی، جنبه روشنگری و رماتیسیسم دارد چراکه عواطف آدمی همانند خرد او قابل اعتماد است. شورش و اعتراض پس این نوشتار، به دلیل داشتن فضاهاى دریایی و ساحلی است و گر نه نیازی به زور زدن/گفتن نیست، بنابراین با داشتن چنین جغرافیایی، چنین ابتدال حاکم بر جامعه، نامیدکننده و ضرورت استراتژی جغرافیایی دریاپایه‌ی صلح منطقه‌ای و جهانی کاربست دارد که اهمیت نوشتار پژوهشی پیش‌رو را نشان می‌دهد. در ابتدا مفاهیم تعریف و تبیین می‌شوند، سپس برداشت‌های نظری و شناختی که شالوده‌ها هستند، گفته می‌شود. آن وقت نوبت به یافته‌ها و من‌بعد فرجام که پاسخ به سوال اصلی پژوهش و پایان نوشتار است. روش تحقیق ماهیتی برداشتی تحلیلی دارد که از طریق استناد به نوشتارهای دانشگاهی چون کتب و مقاله و تجربه زیسته نویسنده در واقعیت زندگی، گردآوری و تدوین شده است.

۳) موقعیت‌شناسی سرزمینی ایران

ایران سرزمین بچسبی‌ست که همه گونه انسان، اقوام و جانور و اقلیم در آن است. سرزمین چهارفصل با مردمانی به تاریخ سلسله هخامنشی و ابرمردی مریم میرزاخانی تا کنون. راه آبی داشتن سرزمین چنین مردمانی به همه مکان‌ها و فضاهاى جغرافیایی فرصتی ژئوپلتیک برای گفتمان صلح منطقه‌ای و جهانی برای ایرانی‌ها می‌تواند باشد. چرا تاکنون اولیای امور ایران نتوانسته‌اند از راه‌های دریایی سود و سرمایه را وارد این سرزمین کنند و دست‌کم گردشگری زیارت در جنوب غرب آسیا را برپا کنند؟ پاسخ مبرهن است! ضعف مدیریت سیاسی فضا و قرار نگرفتن

متخصص در جایگاه شغلی قدرت سیاسی و یا فقدان اراده سیاسی قوی برای پیشبرد چنین استراتژی توسعه‌ای، باعث شده تاکنون از این طریق، ایران کنونی وارد چرخه تبادلات و شبکه‌ای نشود و به سمت توسعه نرود. نسخه‌ی تجویزی جغرافی دانان ایران استفاده از چنین مناطقی در راستای توسعه‌مندی است.

با نگاهی به نقشه ایران می‌توان مناطق دریایی ایران را که می‌توانند گفتمان صلح را از طریق گردشگری و موسیقی پیش ببرند را دید و با مقایسه پیکره تنی / سرزمین ایران و استفاده درست از آن عضو که مناطق دریایی است توسعه و صلح را برای ایران کنونی بدست آورد.

نقشه ۱) موقعیت سرزمینی و دریایی ایران



منبع: Google Maps

۴) شالوده‌ها، مفاهیم و نظریات

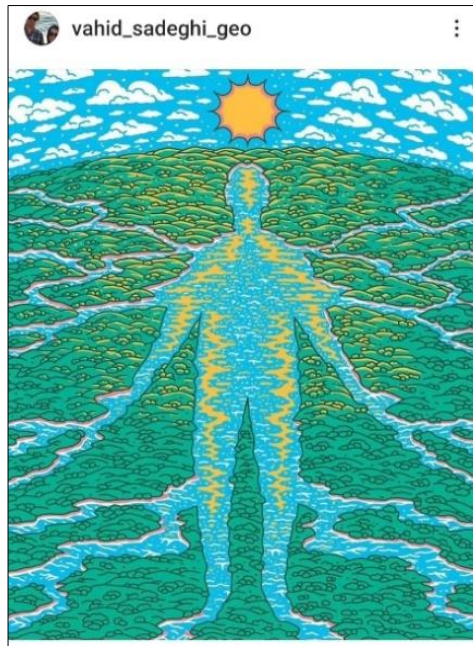
۴-۱. شالوده نوشتار: جغرافیای بدن

جغرافیای بدن^۱ در قالب شخص و سرزمین نمود پیدا می‌کند. می‌توان گفت همه چیز بدن است و یا در بدن قرار دارد. جغرافیای بدن ژست / Gesture است همان‌طور که هستی می‌شود. در مقیاس شخص، هر طور

^۱. Body geography

کارگزاران و اولیای امور ژست و نقش آفرینی کنند، کشور همانطور می‌شود. کشور قسمتی از بدن زمینی و سرزمینی - ست که بر روی نقشه سیاسی جهان نمود پیدا کرده است. بدن دریایی / سرزمینی (ایران) را طوری می‌توان خلق کرد که بن‌مایه فعالی تاریخی آن بوده است به نحوی که هویت بومی / زادگاهی رفته رفته / تدریجاً همسوی توسعه پایدار و ابرانسانی به واقع همان جغرافیای بدنی ست که باید باشد. جغرافیای بدن سطحی ست که جای جای آن می‌تواند فضا ساز و صلح ساز باشد. هر یک از قسمت‌ها و محیط‌های این سطح که می‌تواند سر، چشم، دست یا پا باشد، چنین کارکردهایی را می‌توانند داشته باشند.

کشور، جغرافیای بدنی است که از اعضا و قسمت‌های با کارکرد ویژه تشکیل یافته است به نحوی که موقعیت جای گیری و تحرکات و به چه سمتی نگرستن، جغرافیای ست که این بدن / کشور را به دیگر بدن‌ها و سرزمین‌ها متصل می‌کند. جغرافیای بدن، ژست متولیان بدن / سرزمین سیاسی است که هر طور باشند کشور همان‌طور می‌شود. فضاهای با دولت دموکراتیک، ژست آنها نامصنوع و برنامه‌ریزی شده و همسوی توسعه پایدار است در صورتی که فضاهای بدون دولت، ژست آنها به طور طبیعی توسط درونمایه آن شکل می‌گیرد از این رو طبیعی‌ترین ژست است که توسعه را به همراه دارد و به نسبت فضاهای با دولت مداخله‌گر این بهتر بود. دولت‌های مداخله‌گر، فرم و درونمایه جغرافیای بدن کشور را از حالت طبیعی و زیستگاهی خارج می‌کند در صورتی که در دموکراسی، جغرافیای بدن کشور همچون استرالیا، نیوزیلند، ژاپن، خوش فرم و بچسب است چراکه حکمرانی نسنجیده (قدرت سیاسی غیردموکراتیک) بر آن تاثیر نداشته است. تن جغرافیایی کشور به واسطه نیروهای زیربنا و روبنا، متغیر و خوش فرم و بدفرم می‌شود، نیروهای کشور مدار آزاداندیش، جغرافیای بدنی توسعه‌مند مثل فنلاند خلق می‌کند این بدین صورت که نیروهای کشور به دست ایدئولوگ، خصلتی برای تن جغرافیایی قائل نیست (صادقی، ۱۴۰۲: ۵۲).



عکس ۱) تصویر جغرافیای بدن

۴-۲. مفهوم گردشگری و نظریات آن

گردشگری بادی لنگویج^۱ نیست بلکه جغرافیای بدن^۲ است. به عبارتی، گردشگری بیش از آنکه ژست^۳ باشد یک حرکت معنادار^۴ است. نمی‌توان این ابرمفهوم^۵ را در مقایسه با واژگانی نظیر اوقات فراغت، زیارت، تفریح، سرگرمی و از این دست تقلیل داد به طوری که می‌توان آن را همتراز «شهروند، توسعه و آزادی» دانست، چراکه رهایی‌بخش است. گردشگری پدیده‌ای این جهانی، جغرافیای پایه و رهایی‌بخش است. این جهانی نه به معنای شی-گشتگی و کالایی، بلکه به معنای انسانیت / انسانی یعنی از شأن و منزلت انسانی برخوردار است. جغرافیایی بودن آن بدین معناست که سفر به بیرون و درون، بن‌مایه‌ی آن است و رهایی‌بخشی آن به معنای نجات‌دهنده از اسارت و زندان درون / ذهن و آرام‌بخش است.

گردشگری حرکتی است لذت‌جوی! هر تعریفی از گردشگری مشحون به کنجکاوی و خوشی است. جغرافیای بدن گردشگری از طریق پا و چشم و دهان است که بیشترین سود / لذت را به همراه دارد. حرکت، دیدن، گوش

¹. Body Language

². Body geography

³. Gesture

⁴. a significant action

⁵. Mega Concept/Super Concept

و دم و بازدم سه عضو از بدن است که گردشگر بیشترین استفاده را برای لذت می‌برد. فضای سرزمینی یک کشور (ایران) به مثابه بدن دارای مناطقی است که این سه عضو بیشترین کارایی و بهترین لذت را برای شهروند گردشگر به همراه دارد. مناطق دریایی و ساحلی از این دست هستند که با رفتن به این فضا و دیدن پهنای بیکرانه دریا و اکسیژن گرفتن، آدمی را هر لحظه، زنده، شاداب و در «اکنون شگفت‌انگیز» قرار می‌دهد. نظریات گردشگری متنوع و گوناگون است. نظریه جذابیت گردشگری، نظریه اجتماعی - فرهنگی گردشگری، نظریه محیطی گردشگری، نظریه مشارکت گردشگری، نظریه تاثیرگذاری اجتماعی گردشگری، نظریه مدیریت مقصد، نظریه شناختی گردشگری، نظریه تفریح و استراحت گردشگری، نظریه توسعه پایدار گردشگری، نظریه تجربه گردشگری، نظریه بازاریابی گردشگری، نظریه تکاملی گردشگری، نظریه امنیت گردشگری، نظریه شبکه گردشگری، نظریه اقتصاد کلان گردشگری، نظریه گردشگری ماجراجویی، نظریه گردشگری خرید، نظریه گردشگری مذهبی، نظریه توسعه گردشگری اجتماعی، نظریه تاثیرات فرهنگی گردشگری، نظریه گردشگری فضایی، نظریه گردشگری ورزشی و نظریه گردشگری نوین از این دست نظریات هستند. نظریه تمدن دریایی گردشگری و موسیقی به نوعی تمامی این نظریات را شامل می‌شود یعنی در صورت خلق تمدن دریایی گردشگری و موسیقی تمامی آنچه که نظریات فوق گفته را دربر گرفته که جملگی منتج به توسعه انسانی و سکونتگاهی می‌شود.

۴-۳. نظریه تمدن دریایی گردشگری و موسیقی

تنها راه حل صلح جهانی، گردشگری و موسیقی است؛ این تمام نوشتار است. گردشگری دریایی با چاشنی تمدن کهن، جذاب‌ترین نوع گردشگری است. فضای ساحلی اکسیژنی مناطق دریایی کشور زمینه را برای آن دست افرادی که از تکنیک کسب آرامش، یعنی مدیتیشن / **Meditation** سود می‌جویند فراهم کرده است. ژرف‌گرایی که در فضاهای ساحلی، درون وجودی بدن را انباشته از آرامش و اکسیژن می‌کند. شن‌زارهای نرم سواحل، خواهان بدن‌های متنوع شهروندان گردشگری است که هر لحظه زیر آفتاب در این مناطق همراه با نوشیدنی‌های گازدار، اوقات خوش می‌کنند. طبق شواهد، دسترسی به ویتامین **D** عمده نیاز اصلی بدن است که به سختی تأمین می‌شود. جغرافیای سواحل، جغرافیای دی است. نور آفتاب درخشان همراه با ورزش باد اکسیژن‌دار در کنار انرژی‌های برانگیخته از خوراک و چشم‌انداز آبی / جریانی، به‌واقع جغرافیای رهایی / گردشگری سورئالی را خلق کرده است. این سه عنصر طبیعی زیستی در کنار خلاقیت‌های بشری آن هم از نوع بهترش یعنی موسیقی، جادویی‌ترین نوع تمدن دریایی از جنس موسیقی را ایجاد می‌کند. تنوع موسیقی از پاپ تا رپ و یا بر طبق ناحیه پیدایش؛ موسیقی بومی، نواحی، شرقی، غربی، ایرانی، عربی، فلامنکو، کانتری، باب طبع افراد متنوع است که گردشگران بی‌شماری را جذب می‌کند. بنابراین نظریه گردشگری موسیقی تمدن دریایی برای آن دست کشورهایی که از پهنه آبی برخوردار هستند سرمنشاء صلح و توسعه است.



عکس ۱) تئوری پردازان تمدن دریایی گردشگری و موسیقی

۵) یافته‌ها

۵-۱. چگونگی ساخت تمدن دریایی گردشگری و موسیقی

الف) رها کردن فضای جغرافیایی و پیوند ارگانیک سکونتگاه‌ها و اقتصاد سیاسی فضا

در عصر معاصر دولت‌هایی بر ملت‌ها حکمرانی می‌کنند که نه تنها فضای سرزمینی را به سمت توسعه هدایت نمی‌کنند بلکه در نقش مداخله‌گر ظاهر می‌شوند و فضای جغرافیایی را از توسعه وا می‌دارند. بنابراین با خلق دولت‌های دموکراتیک و اراده این آمریت سیاسی حقوقی برای وصل کردن فضاهای زیستی و سکونت‌گاهی و اتصال اقتصاد سیاسی، زمینه برای ایجاد تمدن دریایی گردشگری و ساحلی می‌شود. دولت‌ها در صورتی که نتوانند فضای سرزمینی ایران را به سمت توسعه ببرند باید حداقل فضا را رها کرده تا جغرافیای انسانی به تدریج خود را در سیکل توسعه جهانی بغلطاند و به این سمت رهنمون شود. فقدان دولت در فضا بهتر و مفیدتر از فضای دولت‌دار تمامیت-خواه است. حکمروایی همسایگی، بهترین و طبیعی‌ترین نوع حکمرانی جغرافیایی است بدین صورت که همسایه‌ها که همان جغرافیای محلی را شامل می‌شود، برای زیست خود تعیین تکلیف کنند نه اینکه یک دولت عریض و طویل

متمرکز قدرت‌گرای ناکثرت‌گرا بر فضا و ملت حکم برآند و مدعی داشتن حکمرانی خوب و مشروع باشند. چنین دولت‌های ناقصی هرگز اراده و توان پخش قدرت نه به طور یکسان و نه به طور حرفه‌ای که فضا ساز و توسعه هدف منظور است را ندارند. در چنین دولت‌هایی، حکمرانی همسایگی / جغرافیایی که مکانیسم درست توزیع قدرت به شکل اصالت به تفاوت‌های جغرافیایی است و احترام‌آمیزترین نوع کنش ملت است و اتصال مکانی فضایی زیستگاه‌ها را برقرار می‌سازد، جایگاهی ندارد. در مجموع، شواهد نشان داده است که دولت‌ها، هیولای سرد می‌باشند و خواهان بدست گرفتن فضاها و اجبار مردم به اجابت دستور است.

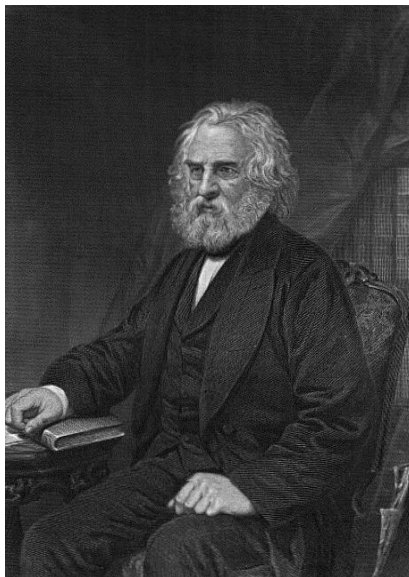
ب) تسهیل رفت و آمد و ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی جهانی شبکه‌ای

کیفیت راه‌های ارتباطی و مواصلاتی فضای جغرافیایی تأثیر قابل توجهی در اجتماعی و سیاسی شدن انسان‌ها دارد. در مناطق پیرامونی کشور ایران فناوری حمل و نقل از مطلوبیت چندانی برخوردار نیست. همین مسئله روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و حمل و نقل بین جاده‌ای را کاهش می‌دهد. ارتفاعات موجب کندی حرکات زمینی و محدودیت در ایجاد شبکه‌های ارتباطی می‌شود و اصولاً دو فرهنگ کاملاً متمایز در دو طرف خود تشکیل می‌دهد (عزتی، ۱۳۹۰: ۹۰). گستردگی سرزمین، شکل یکپارچه و یکپارچه‌نبودن سرزمین، ناهمواری‌ها و جغرافیای طبیعی سرزمین و نابرابری‌های فضایی؛ از دید اقتصادی و بهزیستی، در کنترل سرزمین موثرند (حافظ‌نیا و کاوندی-کاتب، ۱۳۹۶: ۱۲). اصلی‌ترین رسالت دولت‌ها ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی برای حمل و نقل است. توسعه به معنای حمل و نقل، اصلی‌ترین عامل پیشرفت و رشد مناطق ساحلی است. اتصال زیرساخت‌های هوش مصنوعی، سازه‌های پخش و پراکنش / اینترنت، برداشتن حراست‌های دریایی و مرزی، گردشگری اقیانوسی، راهکارهایی برای ایجاد تمدن دریایی گردشگری و موسیقی است. سیاست خارجی کشور با گفتگوی صلح تاریخی، هلدینگ‌ها و بنگاه‌های ارتباطی را برای ایجاد زیرساخت ارتباطی به کشور می‌آورد و رفت و آمد انسان‌ها، شبکه‌ها، نهادها از مجرای سواحل و کرانه‌های دریایی شکل می‌گیرد.

۲-۵. موسیقی و اثربخشی آن

موسیقی، هنر بیان احساسات به وسیله آواها است که بشر مفلوک را امیدوار به زیست کرده است (نگارندگان، ۲۳ خرداد ۱۴۰۳). در این که موسیقی تأثیری قابل توجه بر روان انسان می‌گذارد، شکی نیست. نتایج یک پژوهش علمی نشان داده گروه خاصی از انسان‌ها بیشتر از همه تحت تأثیر موسیقی قرار می‌گیرند و به اصطلاح موی بر بدنشان

سیخ می‌شود. موسیقی در هر سبکی، می‌توان تأثیر جادویی بر جغرافیای بدن انسان داشته باشد. کسانی که ساز می‌زنند یا در مشاغل اجتماعی فعالیت دارند، از شنیدن موسیقی بیشتر احساساتی می‌شوند (دویچه وله، ۱۳۹۷/۹/۵). آیا موسیقی زبان مشترک فرهنگ هاست؟ این جمله از هنری لانگفلو^۱، شاعر آمریکایی قرن نوزدهم است. به تازگی گروهی از پژوهشگران دانشگاه هاروارد با بررسی صدها قطعه فولکور از سراسر جهان دریافتند که ترانه‌های فرهنگ‌های مختلف به هم شبیه‌اند به جز زمانی که از عشق سخن می‌گویند (دویچه وله، ۱۳۹۸/۹/۵).



عکس ۲) هنری لانگفلو

با استفاده از یک روش منحصر به فرد ایجاد نوسانات روی مغز، دانشمندان توانسته‌اند از موسیقی برای پرورش ذهن و افزایش قوه شنوایی استفاده کنند. بر بنیاد یک تئوری صدا که پرفسور آلفرد توماتیس^۲ معروف به انشتین گوش برای نخستین بار در دهه ۵۰ در آمریکا معرفی کرد، با تغییر و تبدیل نوعی موسیقی و استفاده از نوسانات آن می‌توان روی حالات و افکار انسان تأثیرات مثبت و شفادهنده‌ای گذاشت. کامران بایگان موسیقی‌شناس می‌گوید: هرکس می‌تواند از این موسیقی استفاده کند و در تسکین حالات او کمک کند. موسیقی‌های مختلف در زمان‌های مختلف اثرات مختلف دارند. جغرافیای بدن انسان در اثر زندگی در محیطی که دائماً در معرض آلودگی صوتی

^۱. Henry Wadsworth Longfellow

^۲. Alfred Tomatis

است نه تنها دچار کم‌شنیدن می‌شود بلکه چیزهای دیگری را هم از دست می‌دهد (راديو فردا، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۴).



عکس ۳) پرفسور آلفرد توماتیس

نقش موسیقی تنها به افزایش حال سرخوشی و شادی خلاصه نمی‌شود که حتی این عامل معجزه‌گر، جغرافیای بدن را در تحمل درد، کاهش اضطراب و البته در بهبود فعالیت‌های ذهن یاری می‌رساند. موسیقی شاید انسان جغرافیایی را در بهتر به خواب رفتن، تمرکز به هنگام مطالعه کردن، یا ورزش کردن کمک کرده باشد، حتی ممکن است دردش را تسکین داده باشد، اما آیا تاکنون به دلایل آن اندیشیده‌اید؟ درد و اضطراب در وجود تن گوشتی و خاکی انسان از یک منشاء سرچشمه نمی‌گیرند اما موسیقی می‌تواند در تسکین و برطرف نمودن هر دو مشکل تاثیرگذار باشد. بسیاری از تحقیقات امروزی نشان می‌دهد که موسیقی در منحرف نمودن حواس و کاستن علائم درد، بیش از آنکه به مغز برسند و فرد آن را حس نماید، موثر است. انسان‌ها با این آگاهی از تاثیرات موسیقی می‌توانند با بهره بردن از موسیقی، از هرگونه و نوعی که دوستدار آن هستند، در افزایش سطح روحیه‌شان، و تسکین دردهای جسمی تا کمک به فعالیت‌های بیشتر مغزی کوشا باشند (www.rfi.fr). به طور کلی موسیقی از طریق انتقال احساسات و افکار به شیوه‌ای غیرکلامی به عنوان درمان روانی، ابزاری برای تسکین درد، عامل ارتقاء ارتباطات انسانی، بهبود هوش کلامی، افزایش قدرت خلاقیت، به یادآوری خاطره‌ها، ساماندهی توانایی مغز، بهبود خلق و

خو، افزایش شادی جسم و ذهن، کاهش سطح هورمون‌های استرس، تسهیل خواب بهتر، افزایش احساس آرامش و رضایت از زندگی، بهبود فضای روشنفکرانه و ذهن باز و خروج از ماتریکس، بهبود عملکرد شناختی، حرکتی، روانی و بهبود کیفیت زندگی است.

الف) موسیقی سنتی / بومی

برای شماری از مردم، موسیقی گردشگری آن از هم از نوع سنتی زادگاهی نوستالژیک، خاطره‌انگیز و وصال است. فولک موزیک جذاب‌ترین و رهایی‌بخش‌ترین است، بخصوص برای گردشگران خارجی‌ای که اکوسیستم محلی زاگرس ایران را نمی‌شناسند. این نوع موسیقی در دامنه‌های زاگرس ایران و از طریق بدنه‌ی خلیج فارس و دریای عمان ایجاد می‌شود. در تبیین موسیقی سنتی حوزه زاگرس می‌توان به «تمثیلی تطبیقی از اثر موسیقی محلی بر جنبش اجتماعی زنان: از مزارع شمال ایتالیا تا نورآباد فارس» اشاره نمود. در این چارچوب، کشاورزی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین ستون‌های اقتصادی جهان در بستر تاریخ کشورهای اروپایی طی قرن نهم تا سیزدهم میلادی به صورت نظام «ارباب - رعیتی»/فئودالیسم و در کشورهای آسیایی تحت‌عنوان «شیوه تولید آسیایی»/استبداد شرقی، دشواری‌های مختص به خود را داشته است، به‌طوری که کشاورزان ناگزیر از سرودن اشعاری در اراضی زراعی جهت فائق آمدن بر چنین شرایط بفرنجی بودند. از جمله مصادیق این امر در اروپا، سرود دسته‌جمعی «بلاچاو» به معنای «بدرود ای زیبا» در اعتراض به وضعیت کار زنان در مزارع شمال ایتالیا طی قرن نوزدهم میلادی بود که در جنگ جهانی دوم (بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ در بحبوحه جنگ داخلی ایتالیا) از سوی پارتیزان‌ها و مخالفان فاشیسم به عنوان نماد آزادی‌خواهی سروده شد و مورد استقبال برخی ایالت‌های آمریکا نظیر نیویورک، نیوجرسی و ماساچوست واقع شد، به‌طوری که بازخوانی سرود «بلاچاو» به یک نماد در میان جنبش‌های اجتماعی چپ‌گرا و جنبش حقوق زنان در راستای دستیابی به جغرافیای صلح تبدیل شده است.

از سوی دیگر، در جوامع آسیایی همچون ایران، موسیقی و سرودهای دسته‌جمعی کارگران، زنان، کودکان و ... تا حدودی از نفوذ اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده‌اند. در اجتماعات زاگرس‌نشین، موسیقی سنتی از درون‌مایه‌های متنوع (حماسی، رمانتیک/عاشقانه، تراژدی و ..) برخوردار است. در جغرافیای لرستان برخی سرودهای محلی رزم‌جویانه نظیر «دایه‌دایه وقت جنگه» به مقیاس محلی محدود مانده‌اند و در قلمرو بختیاری، موسیقی محلی «بی‌مریم» در بازسازی جنبش مشروطه و «شیرعلی‌مردون» در بازنمایی تحولات اجتماعی و سیاسی دوره پهلوی اول رنگ بوی ملی به خود گرفتند. فضای جغرافیایی بکر، کوهستان‌ها، جنگل‌های بلوط و اراضی زراعی مرغوب

در زاگرس جنوبی نیز زمینه‌ساز موسیقی سنتی و سرودن اشعار محلی حماسی در وصف نبردهای «کی‌لهراسب» و «میرغلوم» در «تنگه تامرادی» علیه دولت پهلوی اول، «شور برنو» سجاد رزمجو در استان کهگیلویه و بویراحمد و «نای‌نای» منحصر به فرد شبانه شعبانی و دلبر پل مخملی یادش بخیر، دامن چارقَدگلی یادش بخیر، وقت خداحافظیه دم‌پسین برزین گرجیان با درون‌مایه ناب در نورآباد فارس شد.

صرف‌نظر از موسیقی‌هایی که بعضاً درون‌مایه حماسی را برای حصول به حقوق اجتماعی انسان‌ها به تصویر کشیده‌اند، مزارع کشاورزی یکی از جلوه‌گاه‌های سرودن اشعار محلی هستند که به تدریج به موسیقی محلی/فولکور تبدیل شده‌اند و می‌توانند بستری برای صلح جهانی باشند. یکی از سرودهای محلی رایج در مزارع ممسنی که در گذشته در میان کشاورزان رایج بوده، سرود «هَه گِی کُل» است. این سرود بیشتر جنبه کمدی داشت تا نیروهای کار بر تراژدی کار طاقت‌فرسای خود در مزارع فائق آیند؛ به ویژه آنکه «نیروهای کار» ناگزیر از فرمانبرداری از «مالکان» در اراضی زراعی بودند. علی‌رغم ورود نیروهای متفقین به خاک ایران در نتیجه جنگ جهانی دوم (همانند ورود متفقین به خاک ایتالیا)، «هَه گِی کُل» به شهرت جهانی «بلاچاو» در نبردهای پارتیزانی نشأت گرفته از اراضی زراعی دست نیافت و با وقوع نبردهایی همچون «تنگه گجستان» علیه دولت پهلوی دوم نیز «هَه گِی کُل» برخلاف دیگر سرودهای محلی، تنها به همان درون‌مایه کمدی خود در مزارع محدود ماند تا برخی اقشار اجتماعی همچون زنان و کودکان تحت ساختار سنتی/عشیره‌ای پدرسالار و مردسالار به کار طاقت‌فرسای خود در گل و لای مزارع ادامه دهند و با ابزارها و روش‌های کشت و زرع سنتی همانند «کَلک»، «بَنه»، «خَرَمَن»، «تاپو»، «بَرَدَهَر»، «هَی کُنون» و ... دست و پنجه نرم کنند. گستراندن چنین سرودها و موسیقی‌های سنتی در قلب زاگرس و کرانه‌های جنوبی به مقیاس جهانی (به واسطه گردشگرپذیری دریایی)، پیوند ژئوپلیتیک صلح جهانی می‌شوند.



عکس ۴) موسیقی محلی فارس

ب) موسیقی رهایی / جدید

این نوع موسیقی گویا برای مناطق مترقی‌تر کاربرد دارد. فضاهای مرکزی رو به جلو به لحاظ عرضه و تقاضا وارد شبکه جهانی موسیقی نو شدند. تهران در دامنه‌های البرز از طریق یک سازه ملی دریایی همچون دریای مازندران/خزر توانایی صلح منطقه‌ای و جهانی دارد. مناطق ساحلی ضمن داشتن موسیقی مردمی، با فراهم آوردن موسیقی‌های جدید، انبوهی از گردشگران سبک جدید که در پی رهایی از اضطراب و زندان درون هستند وارد کشور می‌شوند و ضمن لذتی که به لحظه می‌برند با سبک‌های فضای جغرافیایی، سرخوش می‌شوند. این همان نزدیکی ارتباطی فرهنگی است که کشورها و شهروندان را به هم نزدیک و همزیستی مسالمت‌آمیز را به وجود می‌آورد. موسیقی رهایی در واقع پیامدی به‌جز همزیستی مسالمت‌آمیز ندارد و برهم‌کنش از طریق دریا، مسالمت-آمیزترین نوع تمدن دریایی سرزمینی است. نوعی از ژانر موسیقی که طغیانی در برابر استبداد و جغرافیای قدرت است رپ نامیده می‌شود. شوریدن بر علیه وضع موجود و از پیله درآمدن و حق‌خواهی و مطالبه‌محوری، فرم و درون‌مایه این ژانر از موسیقی است.



عکس ۵) موسیقی رهایی

پ) موسیقی سکوت / طبیعت دوستی

در سرزمین‌های دولت‌محور، برنامه‌ریزی شهری به سود جغرافیای قدرت طراحی و دیزاین می‌شود و تعادل زیستی و سکونت‌گاهی از این روی برهم می‌خورد. در سرزمین‌های ملت‌پایه‌ی پیشرفته، پلن‌ها و پروژه‌ها، پیوست محیط‌زیستی و توسعه‌ی پایدار دارند، به‌طوری که حفظ و تاب‌آوری اکوسیستم در فضاهای جغرافیایی با ظرفیت گردشگری بالا یک اصل پایه‌ای به شمار می‌رود از این رو مکانیسم‌هایی را برای سکوت / آرامش در عصر ترافیک فراهم می‌کنند. این نوع موسیقی ضدترافیک و ضدناصدا دوستان است. دیدن ابعاد طبیعی فضا همچون گیاهان، سبزه‌زارها، لانه‌های پرندگان، هوهو جغدها و سایر گونه‌ها تمام‌سطوح آرامش‌بخش و مایه‌ی تسلی خاطر است. این نوع موسیقی، سفر از جامعه به طبیعت است. نوعی انزوای خودساخته برای آرامش و دیدن ابعاد شگفت‌انگیز زندگی است. بررسی زیست‌اجزای زنده و غیرزنده و تعامل آنها بایکدیگر در فضای خالی از صدای آدمی زاد و انباشته از صدای دیگر جانداران، موسیقی سکوت است. جنگل‌های شمال ایران و جنگل‌های دامنه‌های زاگرس، فضاهای بکر مخصوص این نوع موسیقی است. در افریقا که خداوندگار زیست‌بوم و دست‌نخورده باقی مانده است، زیبایی‌های

تموم نشدنی از این حیث وجود دارد به همین دلیل بیشتر گردشگران که خواهان لذت‌جویی راز بقا و فضای اکوتوریسم هستند به این قاره سفر می‌کنند.



عکس ۶) موسیقی سکوت در دامنه‌های زاگرس / تنگ سا نورآباد فارس
منبع عکس: نویسندگان، بهار ۱۴۰۳

ت) موسیقی درون

این نوع موسیقی از طریق خلیج فارس به شبه قاره هند و آیین هندو و از طریق دریای خزر به چین و آسیای مرکزی شروع می‌شود. جغرافیای بدن این مناطق، موسیقی درون را به خوبی پاسخ می‌دهد. خلق شبکه جهانی از طریق این دو مجرای آبی راه‌حل تمدن دریایی گردشگری و موسیقی است. برخی از شهروندان به دلیل فرار از گروه‌های افراطی به موسیقی درون پناه می‌برند تا این لحظه تعداد این افراد روز به روز گردشگران زیادی را شکل می‌دهد. بدن‌های جغرافیایی متناسب، مختص شنیدن صدای درون است که موسیقی‌ست. هستی به شعاع هر اپسیلون/ذره باعث شده تا به صدای درون توجه کنند. این دسته از گردشگران، با الهام از درون، نقشه ذهنی خود

را پیش می‌برند و در فرایند تصمیم‌گیری چندان معتقد به عقل/مغز نیستند. با استناد به اینکه طبیعت/زمین/جغرافیا، بدن است و تنوع و خلقت شگفت‌انگیز این بدن در درون جغرافیای بدن انسان نیز هست برخی، چنین شگفتی را در درون خود جستجوی می‌کنند تا پی به خویشتن ببرند. این نوع موسیقی در تمدن شرق بیشتر دیده می‌شود به ویژه برای آن دسته از گردشگرانی که در پی کنار گذاشتن گرایش‌های نفسانی هستند و توجه به مراکز انرژی در بدن دارند (چاکرا) مورد توجه است. حالات خلسه روحانی و نیایش، تجربه خروج از بدن، وجد، رویاپردازی، درون‌پویی، ذهن‌آگاهی و فراآگاهی در این نوع از موسیقی جای دارد.



عکس ۷) موسیقی درون

۶) دستاورد

فلسفه شکل‌گیری گردشگری، درواقع، تنوع و شگفت‌انگیزی جهان خلقت است. انسان هر چند در مقیاس ریز زیستی، «انگلی‌ست متفکر درون جغرافیا» اما در مقام ابرگونه زیستی متفکر، مادامی که متوجه زیست در جهانی

شگفت‌انگیز شد پی به این برد که با سفر و دیدن می‌تواند این راز را کشف کند. از این رو گردشگری، حرکتی است معنادار فرای لذت‌جویی‌های گذرا که عمده نیروی همگرای جامعه جهانی شمرده می‌شود. شاید بتوان گفت گردشگری، جغرافیای سیاسی را کم‌رنگ و یا درهم می‌کند. شهروندان فضای جغرافیایی در پی آرامش و در جستجوی رهایی، فارغ از کجایی بودن، به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند و در نهایت ضمن حفظ ارزش‌های بومی خویش، خواهان رفتن زیر یک چتر مشترک و صلح‌ساز هستند. به جرأت می‌توان گفت هیچ نیرو و گرایشی به اندازه گردشگری، در فشردگی فضا و نزدیکی فرهنگ‌ها و خلق دهکده جهانی کارساز نیست. با این رهیافت، دولت‌ها (به استثنای دولت‌های بسیار دموکراتیک) که شهروندان از آنها به ستوه آمده‌اند و این در افزایش میزان گردشگر مزید بر علت شده، باید با فراهم ساختن زیرساخت‌ها، کشور را در امر گردشگری تقویت سازند. از این رو یکی از اصول کشورداری که نه بلکه کشورداری متکی بر گردشگری باید در دستور کار قلمروداران قرار گیرد. فضای جغرافیایی متنوع ایران در زمینه گردشگری و موسیقی بستری مناسب برای قلمروداران است که از این رهگذر، تولید ثروت و توسعه را برای کشور خلق کنند (صادقی و حسینی، پنجشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۳).

هر ملتی به اعتبار پیشینه فرهنگی و تمدنی و وضعیت فعلی‌اش در نظم نوین جهانی، سرمایه‌های مادی و معنوی خاص خودش را دارد. مدیران قابل، کسانی هستند که این سرمایه‌های بالقوه و بالفعل را به درستی و با دقت شناسایی و آنها را تبدیل به سرمایه‌های فعال کنند. کشور ایران بیش از هر چیز از ثروت‌های عظیم معنوی برخوردار است. دارایی این کشور در حوزه فرهنگ خیلی بیشتر از نفت و گاز و معادن و حتی قدرت فناوری است. این ثروتی عظیم برای ایران است که رقبای آن امکان تحریم آن را ندارند. امکان تحریم سرمایه معنوی بسیار کمتر از تحریم سرمایه مادی است. منتها موقعیت ژئوپلیتیک منطقه‌ای که ایران در آن قرار دارد به گونه‌ای است که نبرد روایت‌ها در آن نقش مهمی بازی می‌کنند. و در این نبرد پیروزی از آن بازیگری است که هوشمندانه تصمیم بگیرد، برنامه‌ریزی و بر اساس آن عمل کند. میراث فرهنگی در این منطقه تابعی از نبرد روایت‌هاست. در نبرد روایت‌ها پیروزی از آن کسی است که در برساختن، تبلیغ و تبیین روایت‌ها موفق‌تر عمل کند (زرقانی، چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۳).

۷) نتیجه‌گیری

ایرانی کنونی به عمر گونه‌های زیستی نخستین، ریشه و تمدن دارد. سرزمینی پرمنبع و زرخیز که توجه جهانیان را از تاریخ تا کنون جلب کرده است. داشتن منابع آبی سرزمینی، برای کشورها غنیمت و فرصت است چراکه آب

مایه‌ی حیات، جان و زندگی و اکسیرژن است و قرن آینده را قرن کشمکش برای آب دانسته‌اند. «تمدن دریایی گردشگری و موسیقی»، خوش‌فرم‌ترین راهبرد جغرافیایی و بچسب‌ترین استراتژی جهانی برای مناطق ساحلی و دریایی ایران زمین است. آهن‌ربای جذب جمعیت گردشگر و موسیقی جوی است. بدن‌های جغرافیایی دریایپایه با «رهایی» و «متصل به فضاها و انسان‌ها» مبدل به مجراهایی می‌شوند که توسعه را از این طریق وارد فضای کشور می‌کند و توسعه و تمدن‌سازی را مهیا می‌سازد. در واقع تمدن‌سازی ایرانی در قالب این دو، قابل عملیاتی است که به‌راستی مکانیسمی درخور است. می‌طلبد اولیای امور ایران از این نوشتار را اجرایی کنند و از جغرافیای پنهان به دموکراسی و بدنی شفاف تغییر یابد. کارگزاران، فضاها و ساحلی را تکه‌هایی از جغرافیای بدن / سرزمینی بدانند که کارکردهای ویژه‌ای دارد. اصلی‌ترین این کارکردها برای دیولوپمنت کشور توجه به گردشگری و موسیقی است.

۸) راهکارها

الف) تغییر نگرش ایدئولوژیک و امنیتی کارگزاران و مقامات ایرانی نسبت به توریست‌ها و گردشگران جهانی: در حالی که همسایگانی چون ترکیه (قطب گردشگری منطقه خاورمیانه، اروپا و قفقاز)، قطر (برگزاری جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲)، امارات (بندر دبی به‌عنوان هاب/قطب هوایی و دریایی) و عربستان (جذب کریستیانو رونالدو، سلبریتی و فوق ستاره فوتبال جهان در لیگ حرفه‌ای عربستان و کسب میزبانی جام جهانی ۲۰۳۴) به واسطه موسیقی و گردشگری دریایی، گوی سبقت را از ایران ربوده و با جذب توریست، خود را پیام‌آور صلح جهانی معرفی کرده‌اند، کشور ایران با نگرش ایدئولوژیک (رعایت موازین پوشش و ...) و امنیتی (ذهنیت ناخوشایند نسبت به توریست‌هایی که آنها را عوامل دشمن برای ضربه زدن به برنامه هسته‌ای ایران می‌پندارند) کارگزاران دست و پنجه نرم می‌کند. از این حیث، تحرکات جامعه نخبگان، روشنفکران، زنان، احزاب، رسانه، مطبوعات و از این دست برای تأثیرگذاری بر نگرش کارگزاران به‌منظور تغییر رویکرد و جهان‌بینی آنها نسبت به مقوله موسیقی و گردشگری در چارچوب مرزهای دریایی خلیج فارس، دریای عمان و خزر می‌تواند راهگشا باشد.

ب) تقویت شاخص‌های توسعه انسانی و زیرساخت‌های شهرهای ساحلی ایران: واقعیت آن است که از زمان طرح شاخص توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰م. به این سو، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به سرعت شاخص‌های توسعه انسانی (دسترسی به آموزش، استاندارد زندگی/رفاهیات، سلامت زندگی و طول عمر) را مورد توجه ویژه قرار دادند، ولی استان‌ها و شهرهای ساحلی ایران (خوزستان، بوشهر، هرمزگان و ...) طی سه دهه اخیر با ضعف جدی در رابطه با این شاخص‌ها مواجه هستند، به طوری که شکاف «شمال» (ایران) و «جنوب»

(کشورهای عربی) خلیج فارس به عنوان پدیده‌ای جدید شکل گرفته است. از این رو، یکی از گام‌های اساسی برای شکوفاسازی موسیقی و جذب گردشگران دریایی، تقویت شاخص‌های توسعه انسانی و زیرساخت‌های شهرهای ساحلی ایران به واسطه کنش کارگزاران ملی و استانی (استاندار، دفاتر نمایندگی وزارت امور خارجه و ...) و سفارت‌های ایران در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و حاشیه خزر است.

ج) همراهی اولیای امور ایران با جریان شبکه جهانی: مشخص نیست قلمروداران (کارگزاران و حاکمان) ایران کنونی تا چه مدت در مقابل جریان شتابان شبکه جهانی ایستادگی می‌کنند! آیا نمی‌دانند پیوستگی در اکوسیستم یک اصل بنیادین است! حیات پایین دست به جان بالادست وصل است و تحت تاثیر قرار می‌گیرد! پس چرا فضای جغرافیایی ایران را اینچنین از سایر فضاها جدا کرده‌اند و اینکه فرجام آن تا کنون، توسعه نیافتگی ایران و عقب ماندن تاریخی کشور از فضاها نزدیک پیرامونی و سایر مناطق توسعه یافته بوده است. باید در نظر داشت که توسعه در مقام یک ابرمفهوم، نه تنها کوتاه مدت بلکه «لحظه‌ای» شده است و هر لحظه غفلت، ضربات جبران ناپذیری به همراه دارد و در این بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس آن چنان پُرشتاب به سمت نوسازی و توسعه در حرکت هستند که دیگر این رقبا، رخصت توسعه مندی و قرار گرفتن ایران در روند ژئوپلیتیک جهانی را نمی‌دهند. بنابراین این کامنت نویسندگان است که در مقابل جریان شتابان شبکه جهانی نمی‌شود ایستادگی کرد چراکه غرق می‌شوید. یکی از آپشن‌ها برای توسعه و دموکراسی، کشورداری متکی به گردشگری است. حکمروایی بر این مبنا، صلح‌ساز و توسعه را به همراه دارد.

۹) تقدیر و تشکر

نگارندگان مراتب تشکر و قدردانی را از دانشگاه فردوسی مشهد، گروه علوم جغرافیایی، به واسطه کمک در زمینه نگارش مقاله به عمل می‌آورند. همچنین از دکتر مشتاق رئیسی که زحمت ویراستاری مقاله را با دقت و حوصله بر عهده گرفتند، تشکر می‌شود. همچنین درود بر الوهیت باطن نویسندگان.

۱۰) فهرست منابع

- آیا موسیقی زبان مشترک فرهنگ‌هاست؟ - DW - ۵/۹/۱۳۹۸
- چرا شنیدن موسیقی می‌تواند موی تن‌مان را سیخ کند؟ - DW - ۸/۹/۱۳۹۷
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاوندی‌کاتب، ابوالفضل (۱۳۹۶): علل پیدایش و بقای کشور ایران، تهران: انتشارت سمت.

- رادیو فردا (۱۳۸۴)؛ اثرات شفا‌دهنده موسیقی در پرورش شنوایی و ذهن: پژوهش بر روی موسیقی استاد الهی، تنبورنواز کردتبار ایرانی، قابل دسترس در این آدرس: <https://www.radiofarda.com/a/300013.html>
- رادیو بین‌المللی فرانسه (۱۳۹۵)؛ موسیقی و ذهن: تازه‌ترین‌ها از تاثیر موسیقی بر روح و جان انسان، نشر شده در ۲۰۱۶/۰۳/۲۰، قابل دسترس در این آدرس: [.rfi.fr](http://rfi.fr).
- زرقانی، سیدمهدی (۱۴۰۳)؛ گردشگری فرهنگی - ادبی و نبرد روایت‌ها، روزنامه اعتماد، شماره ۵۷۸۶، قابل دسترس به این آدرس: [.etemadnewspaper.ir](http://etemadnewspaper.ir).
- صادقی، وحید و همکاران (۱۴۰۲)؛ گردشگری کارزار انتخاباتی از منظر جغرافیای بدن (رویکری نو به پایداری اجتماعی)، همایش ملی کشورداری و پایداری سرزمین در ایران سد پانزدهم / ۷ آذرماه ۱۴۰۲، دانشکده علوم جغرافیایی دانشگاه خوارزمی.
- صادقی، وحید (۱۴۰۲)؛ تبیین عوامل موثر بر پیروزی نامزدها در کارزار انتخاباتی و ارائه الگوی بهینه، رساله دکتری جغرافیای سیاسی منتشر نشده به راهنمایی هادی اعظمی و مشاوره سید هادی زرقانی، تیرماه ۱۴۰۲ دانشگاه فردوسی مشهد.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۰)؛ ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.